

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

بحث در جواب امام (رض) از کلام محقق اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف) بود. عرض کردیم که محقق اصفهانی (ره) اصرار دارند بر اینکه مورد این روایات؛ «اتلاف» است و در این روایات، علت ضمان این است که مشتری مالی را که مربوط به مالک بوده اتلاف کرده، و اگر مورد اتلاف باشد، دیگر ارتباطی به ما نحن فيه ندارد. چون ما نحن فيه؛ مورد «تلف» است. قسمت اول کلام محقق اصفهانی (ره) و جواب امام (رض) از قسمت اول را ذکر کردیم. در ادامه‌ی جواب، امام (رض) می‌فرمایند «بل اللّٰزم لو سلّم أن يكون صاحب الولد ضامناً للدم التالف و قيمة القوى المودعة، لا لقيمة الولد، سيّما إذا قلنا: بضمان قيمة يوم الأداء، كما يقتضيه ظاهر الرواية المتقدّمة و غيرها، و إن أفتوا بضمان قيمة يوم الولادة فإنّ الولد بعد فطامه قد كمل و نما بغير لبن الجارية و دهما و القوى المودعة فيها»؛ مجموعاً چهار مطلب از کلام امام (ره) در اشکال بر محقق اصفهانی (ره) بیرون آوردیم، که مطلب اول را گفتیم، با مناقشه‌ای که عرض کردیم.

نقد دوم امام (رض) بر محقق اصفهانی (ره)

مطلب دوم این است که امام (رض) می‌فرمایند لازمه‌ی کلام محقق اصفهانی (ره) این است که مشتری، باید ضامن قیمت دم و قیمت آن قوای مودعه باشد، و معنایش این است که معنا ندارد ما بگوئیم نسبت به ولد و قیمت ولد، ضمانی در کار باشد. برای اینکه بعد از اینکه این ولد به دنیا می‌آید، و بعد از فطام و بعد اینکه از شیر گرفته می‌شود، این نمو و کمالش ربطی به دم جاریه و قوای جاریه ندارد، بلکه خود مشتری از راه‌های مختلف دیگر سبب می‌شود که این بچه رشد و نمو کند. مثلاً این جاریه را خریده، بچه به دنیا آمده و الآن چهار پنج سال است که پیش این مشتری است. اگر ما بخواهیم بگوئیم قیمت این بچه را باید به صاحب جاریه بدهد، یعنی باید تمام این مدت سه چهار سال که رشد و نمو کرده، الآن یک قیمتی بیشتر از روز اولی که متولد شده دارد، باید بپردازد. مرحوم امام (رض) می‌فرماید شما اگر می‌گوئید آنچه که دخالت دارد مسأله‌ی دم و قوای در رحم است و می‌گوئید مشتری آمده آن را اتلاف کرده، پس وقتی او را اتلاف کرده، ضامن همان باید باشد، باید ضامن قیمت دم و قیمت آن قوا باشد. پس چرا بگوئیم ضامن قیمت ولد باشد؟ در حالی که می‌دانیم روایات، مسأله قیمت ولد را مطرح کرده، مخصوصاً اگر ولد رشد و نمو پیدا کند، و پنج شش سالش شده، دم و قوای مادر در آن دخالتی ندارد. تا همان زمان ولادت یا فطام دخالت دارد، اما بعد از آن، اینها دخالتی ندارد. پس لازمه‌ی فرمایش شما این است که محور ضمان؛ ولد و قیمت ولد نباشد، بلکه محور ضمان، همان دم أمّ و قوای أمّ است.

بعد می‌فرمایند خصوصاً این اشکال ما در صورتی واضح‌تر می‌شود که «سيّما إذا قلنا: بضمان قيمة يوم الأداء». أولاً می‌فرماید

اگر از شما سؤال کنیم که این روایات امه‌ی مسروقه که می‌گوید اگر ولد را می‌خواهد بگیرد، قیمتش را بدهد، ظهور در قیمت چه روزی دارد؟ «حین الاداء». چون مشهور در باب ضمان می‌گویند ضمان يوم التلف بر عهده اوست، یکی از روایاتی که بر خلاف نظر مشهور است و از آن استفاده می‌شود همان روزی که می‌خواهد پول را بدهد و بچه را بگیرد ملاک است، و بر ضمان يوم الاداء دلالت دارد، همین روایات امه‌ی مسروقه است. امام(رض) می‌فرماید روایات امه‌ی مسروقه، ظهور در ضمان و قیمت يوم الاداء دارد. حالا ممکن است يوم الاداء، ده سال دیگر باشد، یعنی تا ده سال بعد آن، مالک جاریه نیاید، بعد از ده سال بیاید بگوید این جاریه را بچه‌ی من بیخود به تو فروخته، به من پس بده، اگر آن موقع که يوم الاداء است بخواهد قیمت این ولد را بدهد، سؤال ما از شما محقق اصفهانی(ره) این است که در این ده سال، دم و قوای رحم مادر چه دخالتی داشته است؟ طبق بیان محقق اصفهانی(ره) که می‌گوید این مشتری دم و قوا را اتلاف کرده، پس ضامن همان باید باشد، چرا بگوئیم ضامن قیمت ولد است؟ چرا بگوئیم ضامن قیمت يوم الاداء هم هست؟ يوم الاداء دم و قوای مادر در آن بچه چه تأثیری دارد؟ مخصوصاً اگر بچه، چهار پنج سال رشد و نمو کرده که در این مدت دم مادر و آن قوا هیچ نقشی نداشته، در حالی که طبق بیان محقق اصفهانی(ره) - چون محقق اصفهانی(ره) می‌فرماید دم و قوا را اتلاف کرده - اگر این مشتری قیمت اینها را داد، دیگر ضمانی در کار نیست.

این اشکال دوم، اشکال خوبی است. برای درک بهتر مطلب، ذهنتان را از کلام محقق اصفهانی(ره) و کلام امام(رض) خالی کنید، اصلاً فکر نکنید که چه کسی این مطالب را می‌گوید، اگر به شما به عنوان یکی از اهل عرف بگویند این کسی که جاریه را خرید و از این جاریه بچه‌دار شد این شخص دم و قوای در رحم را اتلاف کرد، این را قبول نمی‌کنید و لو به نظر دقی عقلی ممکن است چنین چیزی باشد، اما عرف نمی‌گوید الآن این دم را اتلاف کرده، عرف نمی‌گوید که اینجا این قوای در رحم را اتلاف کرده، و لو به نظر دقی و عقلی اتلاف باشد، اما آن ملاک نیست. به نظر دقی و عقلی اگر مولای جاریه از همین دم و قوای جاریه برای خودش استفاده می‌کرد، یک بچه‌ای برای خودش بوجود می‌آورد، اما حالا که مشتری به معامله‌ی باطل جاریه را خریده و استفاده کرده، مشتری استفاده کرده، اما صدق اتلاف در اینجا نمی‌شود. پس اشکال دوم وارد است.

نقد سوم امام(رض) بر محقق اصفهانی(ره)

اشکال سومی که امام(ره) در اینجا کرده‌اند می‌فرمایند: «و منه يظهر النظر في قوله: على فرض كون النطفة من المرأة؛ فإنّ الولد الحاصل من نطفتها صار ولداً للوالد، و خرج عن الملك، فلو كان ذلك موجباً للضمان، لا بدّ من تقويمه حال كونه في جوف أمّه؛ أي حال الخروج عن ملك صاحبه، لا التقويم في زمن الأداء، كما هو ظاهرها»؛ از اینجا اشکال سوم امام(رض) وارد مطلب دوم محقق اصفهانی(ره) می‌شود که عرض کردیم محقق اصفهانی(ره) سه مطب دارد، از اینجا وارد مطلب دوم ایشان می‌شوند. محقق اصفهانی(ره) فرمود «خصوصاً إذا قيل بتكوّنه من نطفة المرأة»؛ یک بحث این است که بعضی معتقدند بچه به برکت نطفه‌ی زن فقط تکوّن پیدا می‌کند و کار مرد فقط یک تلقیح است، حالا و لو این قول یک قولی است که به هیچ وجه با علم روز هم سازگاری ندارد، شاید ایشان هم که نوشته «قيل»، به این جهت باشد. امام(رض) می‌فرمایند جناب محقق اصفهانی(ره) باز اگر مطلب را شما بردید روی اینکه این بچه از نطفه مادر تکوّن پیدا می‌کند، بعد شما چه نتیجه‌ای می‌خواهی بگیری؟ شمای محقق اصفهانی(ره) می‌خواهی نتیجه بگیری که چون نطفه‌ی مادر، مال صاحب جاریه است، پس باید این ولد هم مال مالکش باشد. می‌فرماید این حرف باطل است، برای اینکه این ولد، مال آن مشتری است و این ولد، مال آن کسی است که این جاریه را و طی کرده، مال مالک جاریه نیست. منتهی این ولدی که مال مشتری است، چه زمانی از ملکیت خارج شده است؟

شما الآن می‌گوئید همان زمانی که تکوّن پیدا کرده، چون با نطفه‌ی مرأه، تکوّن پیدا می‌کند. پس در همان شکم جاریه و در همان رحم جاریه، از ملک آن مالک خارج شده است. پس ما باید همان موقع را ملاک قیمت قرار دهیم. زمانی که نطفه در رحم این زن منعقد می‌شود، بگوئیم از بعد از انعقاد به بعد، دیگر ملک واطی می‌شود و از ملکیت مالک جاریه خارج است. پس باید قیمت این نطفه را در همان زمانی که در جوف جاریه است ضامن باشد نه قیمت يوم الاداء را. یعنی امام(رض) می‌خواهد بفرماید شما

حرفهایی می‌زنی که اصلاً با ظاهر روایت سازگاری ندارد. ظاهر روایت می‌گوید این شخص ضامن قیمت يوم الاداء است، استدلال و بیان شما محقق اصفهانی(ره) ملاک را روی ضمان این بچه می‌برد، زمانی که در جوف مادر است. چون خود شما می‌گوئید «خصوصاً إذا قيل بتكوّنها من نطفة المرأة»؛ اگر تکنون از نطفه مرأه است، همان زمان بعد از تکنون، از ملکیت صاحب جاریه خارج می‌شود، پس آن زمانی که از ملکیتش خارج شده ملاک است. پس باز هم این حرفشان با ظاهر روایت سازگاری ندارد.

این هم تقریباً تتمه‌ی آن اشکال قبلی است، یعنی هم اشکال دوم و هم اشکال سوم روی این محور است که روایت، ظهور در قیمت يوم الاداء دارد و کلام محقق اصفهانی(ره) مسأله را می‌برد روی قیمت در زمانی که در جوف این جاریه بوده است. امام(رض) می‌فرماید این دو مطلبی که شما گفتید؛ یکی اینکه این مشتری أتلف الدم و القوی، این با این قیمت يوم الاداء سازگاری ندارد. دوم اینکه شما گفتید «خصوصاً إذا قيل بتكوّنها من نطفة المرأة»، می‌گوئیم این بچه وقتی تکنون پیدا کرد، همان موقع از ملک آن صاحب جاریه خارج می‌شود. چه زمانی؟ همان زمان که هنوز در شکم مادرش است، نطفه تازه منعقد شده، می‌گوئیم پس قیمت همان روز را باید بدهد، چون زمان خروج از ملک، زمانی است که در جوف مادر است نه قیمت يوم الاداء را.

نقد چهارم امام(رض) بر محقق اصفهانی(ره)

اشکال چهارم که شاید بهترین بیان هم باشد، برای این است که اتلاف را کلاً در اینجا منتفی کند و دیگر حرفی از اتلاف مطرح نباشد. می‌گوید جناب محقق اصفهانی(ره)! چه کسی گفته این بچه الآن حرّ است؟ اگر عبد بود، مال مالک جاریه بود، اما چه کسی گفته این حر و آزاد است؟ شارع فرموده است. پس این مشتری در این معنا چه دخالتی دارد؟ مشتری فقط موضوع را ایجاد کرده و از این جاریه بچه‌دار شد. اگر شارع می‌گفت این بچه، مال مالک جاریه است و عبد است، باز هم شما می‌گفتید با اینکه می‌گوید مال مالک هست، اما دم و قوا را اتلاف کرده؟! قطعاً چنین حرفی نمی‌زدید. پس شارع فرموده این حرّ است، پس بر این مشتری صدق متلف نمی‌کند. ما از این چهار اشکال امام(رض)، در اشکال اول مناقشه کردیم، اما سه اشکال بعدی بر محقق اصفهانی(ره) وارد است.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.